

## بررسی تأثیر قومیت بر خشونت علیه زنان در شهر تکاب

اکبر زارع شاه آبادی<sup>۱</sup>

کزال امینی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۲

تاریخ وصول: ۸۹/۵/۲۸

### چکیده

در اکثر جوامع خشونت علیه زنان به دلایل متعدد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... بروز می‌کند. این پژوهش به منظور بررسی تأثیر عامل قومیت در ظهور رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان در شهر تکاب صورت گرفته است. جامعه پژوهش شامل کلیه زنان حداقل یک بار ازدواج کرده ساکن در نقاط شهری تکاب بوده است. جامعه نمونه پژوهش مشتمل بر ۱۲۱ نفر بوده و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد که شامل اطلاعات دموگرافیک نمونه‌ها و همسران آنها و سؤالات سنجش رفتارهای خشونت آمیز بود. نتایج پژوهش به کمک نرم افزار SPSS و آزمون‌های آماری توصیف و تحلیل گردید. براساس آزمون‌های انجام شده بین میزان خشونت علیه زنان با وضعیت اشتغال، نسبت خویشاوندی با همسر، میزان تحصیلات آنها و همسران، میزان درآمد و نوع ازدواج (ارادی و تحمیلی)، قومیت معنی‌دار وجود دارد. هم‌چنین در مواردی که زوجین از دو قومیت متفاوت بوده‌اند (ناهمسانی قومی)، میانگین خشونت کمتر از زمانی بوده که قومیت آنها همسان بوده است. اما بین میزان خشونت علیه زنان با سن پاسخ‌گویان، به هنگام ازدواج رابطه وجود ندارد.

واژگان کلیدی: قومیت، خشونت، زنان، آذری، کرد، تکاب.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه یزد

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی



## طرح مسئله

خانواده در حوزه مطالعه و تحقیق، یک واقعیت چند بعدی شناخته می‌شود. به طوری که از ابعاد مختلف، موضوعات آن قابل بررسی هستند. یکی از پدیده‌های خانوادگی که امروزه مورد توجه محققان، جامعه شناسان و روان‌شناسان قرار گرفته است اعمال خشونت در خانواده و یا به اصطلاح معمول، خشونت مردان علیه زنان در خانواده است.

خشونت خانوادگی به خصوص خشونت علیه زنان، پدیده‌ای جدید نیست اما توجه به آن به عنوان مسئله‌ای اجتماعی به دوران جدید باز می‌گردد. آمار و اطلاعات استخراج شده از مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان مسئله‌ای جهانی است و در اغلب جوامع قابل مشاهده است (اعظم آزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۴).

❖ ۳۰ تا ۵۰ درصد زنان امریکایی مورد آزار جنسی شوهران خود قرار می‌گیرند.

❖ ۱۵ تا ۲۵ درصد زنان امریکایی هنگام بارداری نیز مورد ضرب و شتم قرار

می‌گیرند.

❖ طبق گزارش سازمان اف.بی.آی در سال ۱۹۹۲ در امریکا، از هر ده قربانی زن،

سه نفر توسط شوهر و یا دوست پسر خود کشته شده‌اند.

❖ در کشور کلمبیا، بیش از ۲۰ درصد زنان مورد آزار لفظی یا روانی شوهران خود

قرار می‌گیرند.

❖ در شهر سانتیاگو (شیلی)، ۶۳ درصد از زنان مورد آزار جسمی قرار می‌گیرند (سام

گیس، ۱۳۷۷: ۵).

در ایران زنان در اثر فشارهای سنتی هزاران ساله عادت کرده‌اند که بخش عمده‌ای از وضعیت خشونت‌بار زندگی خود را از دیگران پوشانند. آنها از مراجعه به مراکز قضایی و خدمات‌رسانی خودداری می‌کنند و هنگامی کمک می‌طلبند که تمام امیدهای خود را از دست داده باشند. پدیده خشونت مورد توجه متفکرین علوم مختلف است و هر یک در حوزه حرفه‌ای خود آن را به نوعی تعریف می‌کنند. و تعاریف گوناگون، در ارتباط متقابل و مکمل با یکدیگرند و به طور دقیق نمی‌توان بین آنها مرزبندی کرد. منظور از خشونت در یک تعریف، رفتاری است که با قصد و نیت آشکار و یا پنهان برای وارد کردن آسیب



فیزیکی، روانی و اجتماعی به فرد دیگر صورت می‌گیرد (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۱). تعریف بعدی، خشونت را این‌گونه بیان می‌کند: «هرگونه تهاجم فیزیکی بر هستی انسان که با انگیزه وارد آوردن آسیب، رنج و یا لطمه زدن همراه می‌باشد» (آربی آستر، ۱۹۹۳: ۷۰۰). زنان در سراسر دوران زندگی خود به شکل‌های گوناگون خشونت وابسته به جنسیت را تجربه می‌کنند که بیشتر آن خانوادگی است و در این راستا می‌توان به «خشونت فیزیکی (آسیب رساندن به اعضای بدن با کتک)، خشونت روانی (تهدید، تحقیر، سرزنش و ... خشونت اجتماعی) (کنترل رفتارهای زن، در انزوای اجتماعی قرار دادن و ...) و خشونت جنسی اشاره نمود» (کلاینک، ۱۳۸۲: ۲۴).

از طرفی، کشور ما جامعه‌ای است که از چندگونگی و تنوع قومی زیادی برخوردار می‌باشد. در حالی که حدود نیمی از جمعیت این کشور، فارس زبان هستند، ترک‌ها و کردها یک‌سوم دیگر (۳۴ درصد) و سایر گروه‌های قومی یک ششم باقی‌مانده (۱۶ درصد) را تشکیل می‌دهند (عباسی شوازی و جونز، ۲۰۰۱: ۵ و بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۳). قوم یا گروه قومی به اجتماع کوچک‌تری از یک اجتماع بزرگ‌تر اطلاق می‌شود که تعلقات خونی، نیاکانی و یا اسطوره‌ای موجبات همبستگی و پیوند آنان را براساس سلسله مراتب اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آورد (مقصودی، ۱۳۸۱: ۲۱۹). «اسمیت» قوم را این‌گونه تعریف می‌کند: «یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطره‌های مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت» (اسمیت، ۱۳۷۷: ۱۸۶).

ضرورت پرداختن به مسئله قومیت در ایران، به این دلیل است که ایران در مقایسه با ۲۰۰ کشور یا واحد جغرافیایی - سیاسی فعلی جهان، به طور نسبی، از بیشترین تنوع قومی برخوردار است (مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۰: ۳۶). ایران از دیرباز محل اسکان و زندگی قومیت‌های مختلف بوده است و در طول تاریخ طولانی خود، هیچ‌گاه یک کشور تک قومیتی، تک زبانی یا تک فرهنگی نبوده است. از این رو، جامعه ایران در عین یگانگی و وحدت، از تکثر و تنوع قومی گسترده‌ای برخوردار است. این تکثر و تنوع قومی باعث رفتارهای



اجتماعی متفاوت شده است. که چگونگی و میزان اعمال رفتارهای نامناسب و بعضاً خشونت آمیز با زنان، نمونه بارزی از این رفتارها می باشد.

یکی از مهم ترین نقش های زن، نقش سازنده وی در ایجاد پیوندهای اخلاقی و عاطفی اعضای خانواده است. و این هدف جز با ایجاد محیطی آرام و به دور از خشونت برای همه افراد خانواده میسر نمی شود (اعظم آزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۱). خشونت های خانوادگی خصوصاً مشاجره ها و اختلاف ها میان همسران، فرزندان را دچار سردرگمی، بی هویتی و ... کرده و زمینه های بزه و بزهکاری را در آنان فراهم می کند.

در ایران، متأسفانه آمار دقیقی از پدیده همسر آزاری وجود ندارد، اما مشاهده های تجربی و شواهد ظاهری حاکی از وجود گسترده انواع آن در خانواده های ایرانی است (سام گیس، ۱۳۷۷: ۵، فروغان، ۱۳۸۰: ۷، مجوزی، ۱۳۸۱: ۶).

جامعه شناسان عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... را در بروز رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان مؤثر می دانند که در مقاله حاضر ضمن بررسی تأثیر برخی از متغیرهای اقتصادی- اجتماعی بر بروز خشونت علیه زنان، همچنین متغیر قومیت نیز به عنوان یکی از عوامل فرهنگی مؤثر بر بروز خشونت مورد بررسی قرار گرفته است.

#### پیشینه تحقیق

نگرش عمومی جامعه ما براساس سنت های پدرسالاری، مرد را در خانواده دارای اقتدار زیاد و نتیجتاً قادر به اعمال خشونت می داند. نگاهی به رسانه های گروهی مشخص می کند که با وجود تمام دگرگونی های موجود در جهان و ایران، هنوز خانواده عبارت است از پدر مقتدر تصمیم گیرنده که با همسر خود نیز مشورت نمی کند (اعزازی، ۱۳۷۳: ۵) و این موضوع مانع مهمی بر سر راه زنان در ایفای نقش و دستیابی به حقوقشان می گردد.

معظمی (۱۳۸۳) در تحقیقی تحت عنوان جرم شناسی خشونت خانگی و همسرکشی در سیستان و بلوچستان می نویسد: پدیده خشونت در تمامی جوامع امری رایج محسوب می شود. اما در جایی که زندگی قبیله ای، سنتی و شرایط فرهنگی و فقر شدید باشد ارقام قابل توجهی گزارش نمی شود و به خصوص اگر در این فرهنگ، نظام مردسالاری نیز



حاکم باشد وی در این تحقیق رابطه بین خشونت و میزان تحصیلات و سابقه خشونت در خانواده و اعتیاد را تأیید می‌کند (معظمی، ۱۳۸۳: ۳۹).

زارع شاه آبادی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان «خشونت خانگی در شهر یزد»، میزان خشونت خانگی در این شهر را ۹۲/۶ درصد برآورد نموده است در حالی که این نسبت در سطح ملی ۶۶/۳ درصد بوده است به عبارت دیگر در حالی که در سطح ملی ۶۶/۳ درصد زنان مورد مطالعه در طول زندگی مشترک خود حداقل یک‌بار تجربه خشونت خانگی دارند این مقدار برای زنان یزد ۹۲/۶ درصد بوده است بالاترین حد خشونت، خشونت فیزیکی و کمترین آن خشونت اقتصادی بوده است (زارع شاه‌آبادی، ۱۳۸۳: ۱۶۵) حضوری کلثوم (۱۳۸۶) در تحقیقی بیان می‌کند که بین مشاهده خشونت توسط شوهر در خانواده پدری، تجربه خشونت توسط شوهران، میزان دخالت خویشاوندان و نیز اختلاف سنی زوجین با یکدیگر و وقوع خشونت علیه زنان رابطه بسیار معنی داری وجود دارد.

پژوهش دیگری با همکاری استانداری زنجان، در مورد بررسی میزان و کیفیت خشونت فیزیکی علیه زنان در خانواده در بین مراجعین به پزشکی قانونی و سایر مراکز درمانی شهرستان خدابنده انجام گرفته است. طبق نتایج حاصله از این پژوهش زنانی که در طول سال ۱۳۷۸ در خانواده مورد خشونت فیزیکی قرار گرفته‌اند، تعدادشان ۱۱۶ نفر بوده است. به طور خلاصه این پژوهش نشان می‌دهد که اکثر قربانیان خاستگاه روستایی دارند، سطح سوادشان پایین است و خانه‌دار بوده‌اند. همسران آنها نیز اکثراً سطح سواد پایین و خاستگاه روستایی دارند. بیشتر آنها کارگران کشاورزی و کاسب خرده پا هستند. ۱۹ درصد آنها بیکارند و ۲۵ درصد دچار اختلال روانی، ۲۶ درصد دارای سابقه کیفری، ۲۳ درصد معتادند و ۲۰ درصد دارای دو همسرند (طاهری، ۱۳۷۹).

پژوهشی دیگر با موضوع بررسی مسئله خشونت نسبت به زنان از جنبه حقوق بین‌الملل انجام گرفته که براساس نتایج آن تا زمانی که تغییرهای اساسی در ساختار فرهنگی، نگرش‌ها، سنت‌ها، انگاره‌ها و آموزه‌های مردم سراسر جهان به وجود نیاید و زن به عنوان

یک انسان مورد شناسایی قرار نگیرد، ادعای رفع تبعیض و متعاقب آن، رفع خشونت علیه زنان ادعایی بیهوده و عبث است (مولاوردی، ۱۳۷۸).

کتاب «حمایت از زنان در برابر خشونت» نوشته آقای مهدی معتمدی مهر به بررسی جنایت‌ها و تجاوزهای جنسی علیه زنان و راهکارهای مبارزه با آن براساس سیاست انگلستان می پردازد که البته شمار خشونت‌های پنهان از دید این پژوهشگر مخفی مانده است و بررسی انواع آشکار آن نیز از جنبه حقوقی است (معتمدی مهر، ۱۳۸۰).

«کیگن<sup>۱</sup>»، «لانگر<sup>۲</sup>» و «ماسن<sup>۳</sup>» در سال ۱۹۷۴ در تحقیقی درباره خشونت خانوادگی و تأثیر آن روی فرزندان، تأکید می کنند که رفتار خشونت آمیز... کودکان را دچار مسائل متعددی مانند شب ادراری، لکنت زبان، اختلال‌های روان‌تنی می نماید (اشراقی، ۱۳۸۵: ۱۰۶).

«پیت<sup>۴</sup>»، در مقاله‌ای با عنوان «هویت و زبان: بررسی زنان ولزی» اهمیت زبان مادری و قومیت را در بر ساختن هویت جنسیتی و سیاسی در بین زنان ولز بررسی می کند. مطالعه او نشان می دهد که جنسیت در بین زنان ولز به طور سنتی محدود شده است و همچنین به طور سنتی، مادران ولزی مسئول انتقال زبان مادری و فرهنگ ولزی به فرزندان خود هستند و به همین دلیل بعد جدیدی به نقش مادری آنان اضافه می شود. این زنان نقش عمده‌ای در ساختن و حفظ هویت قومی و بسط اشکال فمینیسم خاص این هویت ایفا می کنند (پیتر، ۱۹۹۷: ۳-۶).

کاروالهو<sup>۵</sup> و همکارانش، در مقاله‌ای در سمینار انجمن بین المللی جامعه شناسی امریکا، جنسیت را به منزله عامل مهمی در شکل دادن به تجربه جمعی تحلیل کرده‌اند. آنان معتقدند که جنسیت، در کنار سن، قومیت و طبقه اجتماعی به تجربه اجتماعی شکل می دهد (کاروالهو، ۱۹۹۴).

1. Kagen
2. longer
3. Masson
4. Piette
5. Carvalho



مطالعه تجربی دیگری به بررسی تفاوت باورها و نگرش زنان قومیت‌های مختلف می‌پردازد. مطابق یافته‌های این مطالعه، تفاوت اندکی بین گروه‌های قومی بر اساس دو متغیر اقتدار و مسئولیت مشاهده شده است، اما تفاوت میان پسران و دختران بزرگسال، صرف‌نظر از قومیت آنان زیاد است. دختران به تعلق و نزدیکی خانوادگی اهمیت بیشتری می‌دهند و نیاز به ارتباط و بیان عاطفی در آنها بالاتر از نیاز به استقلال و متمایز بودن از دیگران است که پسران بر آن تأکید دارند (مک درموت، ۱۹۳۸: ۱۴۰). سیمپسون<sup>۱</sup>، با استفاده از داده‌های جمعیتی در مورد جمعیت گروه‌های قومی در برادفورد انگلیس، به این نتیجه رسیده که ۵۰۰ دختر مسلمان در سن مدرسه، به دلیل نگرش والدین آنها در مورد نامناسب بودن مدرسه برای دختران، در مدرسه ثبت نام نکرده‌اند (سیمپسون، ۱۹۹۷: ۲۳).

در مطالعه دیگری که در امریکا صورت گرفته، سهم متغیرهای جنسیت، نژاد، قومیت، وضعیت تاهل و والدین در زنانه شدن فقر بررسی شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که جنسیت، نژاد و قومیت اثر زیادی بر میزان فقر و بدبختی زنان دارند (استارلز<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۴: ۵۹۰-۶۰۷).

### مبانی نظری

برخلاف پیش‌بینی جامعه‌شناسی مبنی بر افول «اجتماع» به عنوان صورتی از زندگی جمعی مبتنی بر سنت (کوهن<sup>۳</sup>، ۱۹۶۹: ۱۹۸-۲۰۰)، هویت‌های برخاسته از این شیوه زیست در دو دهه‌ی اخیر رشد یافته‌اند.

رشد گرایش‌های قومی و ظهور جنبش‌های قومیت‌گرایانه در دو دهه اخیر ناکارایی الگوی سنتی جامعه‌شناسی را در توصیف وضعیت تازه آشکار کرد. جنبش باسک، رقابتهای قومی در رواندا، کنگو، سومالی، فیجی و اندونزی از این جمله‌اند (ایساجیو<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹: ۱۲). از همین رو، موج جدیدی از تحقیقات قومی در مطالعه جامعه‌شناختی،

1. simpson
2. Starrels
3. Cohen
4. Isajiw



فرهنگی و سیاسی شکل گرفت که احیای هویت قومی را به منزله پدیده‌ای مهم و برخاسته از مناسبات مدرن (نه لزوماً تجلی خصیصه‌های سنتی) مورد مطالعه قرار داد.

تئوری‌های موجود، موضوع ظهور یا احیای هویت قومی را از دو منظر متفاوت تبیین می‌کنند: دسته نخست هویت قومی را از سنخ پیوندهای کهن و نخستین<sup>۱</sup> می‌داند. در این دیدگاه، رشد گرایش‌ها و مطالبات قومی به سرشت گروه قومی نسبت داده می‌شود. در مقابل، رویکرد ابزارانگار<sup>۲</sup> هویت‌یابی قومی را به انتخاب سود انگارانه و عقلانی بازیگران اجتماعی نسبت می‌دهد.

کهن‌گرایان معتقدند که فرد یا زاده شدن در فرهنگ خاص، خود را در محیطی معین و با داشته‌هایی معین از قبیل اشتراک‌های خونی، زبان، نگرش و رسوم می‌یابد. در رویکرد کهن‌گرا، تعلقات قومی بیشتر احساسی و عاطفی‌اند تا ادراکی. به همین دلیل نمی‌توان این قبیل تعلقات را با رویکردهای نظری مبتنی بر محاسبات معطوف به کسب منافع فردی و اجتماعی درک کرد (طالب، ۱۳۸۳: ۲۴).

عضویت در یک اجتماع کهن (مثل عضویت در یک کاست یا اعتقاد به یک مذهب) داشته فرد و جز میراث و دارایی او محسوب می‌شود و در او احساس وابستگی و تعهد به اجتماع یا جمعی خاص را بر می‌انگیزد. «وفاداری کهن علقه‌ای است که از حس سوژه و نه مشاهده کننده نسبت به «داشته»‌های زیست اجتماعی بر می‌خیزد: مثل زبان خاص، تبعیت از مذهبی معین، تولد در خانواده معین یا زندگی در مکانی خاص» (گیرتز، ۱۹۶۳: ۱۰۹).

ابزار گرایان، در مقابل کهن‌گرایان، قومیت را منبعی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برای گروه‌های مختلف ذی نفع یا گروه‌های منزلتی می‌دانند. نظریاتی که در چارچوب رویکرد ابزارانگار مطرح شده‌اند، در این پیش فرض مشترک‌اند که قومیت حاصل مناسبات‌های اجتماعی و سیاسی است و امری بر ساخته محسوب می‌شود. در این دیدگاه، قومیت‌گرایی محصول فرایند پویای بازسازی نمادهای قومی است که نخبگان در آن نقش اساسی دارند (طالب، ۱۳۸۳: ۲۶).

- 
1. Primordial bonds
  2. instrumentalist





به اعتقاد «وان دن برگه»<sup>۱</sup> جامعه‌پذیری و همکاری بشر را می‌توان با ساز و کار خویشاوندی توضیح داد. افراد زن خود را به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق خویشاوندی منتقل می‌کنند. آنها که زن مشترکی دارند به یکدیگر احساس علاقه و پیوند پیدا می‌کنند. ترجیح بستگان و خویشان به افراد بیگانه مثل سیمانی است که افراد را به یکدیگر متصل می‌کند و از این جهت انسان شبیه حیوان‌های دیگر است. «در رفتار بشر برخی گرایش‌ها و تمایل‌های جهان شمول مانند تمایل به خویشاوندی، تجاوز، سلطه و نیز تمایل به سرزمین وجود دارد که فقط از طریق آموختن قابل تبیین نیست و باید آن را به عنوان بخشی از طبیعت بشری درک کرد قومیت و نژاد را باید شکل گسترش یافته و تعدیل شد، گزینش خویشاوندی دانست. به گفته برگه، قبیله و گروه قومی، هر دو مبنای خویشاوندی دارند.» (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۴۵-۱۴۴).

خشونت علیه زنان را با یک تئوری نمی‌توان تبیین کرد، زیرا شامل کنش متقابل و پیچیده مجموعه‌ای از عوامل است. جامعه‌شناسان خشونت را به عنوان یک پدیده اجتماعی متأثر از عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌دانند.

ویلیام گود، نظام خانواده را دارای نظام اقتداری می‌داند که در آن هر کس به منافع خانواده بیشتر دسترسی دارد، می‌تواند اعضا را به فعالیت در جهت امیال خود وادارد (گود، ۱۳۵۲: ۳۰۱).

اشتراوس و همکارانش مراحل را در یادگیری خشونت از طریق خانواده مشخص کرده‌اند. مرحله‌ای که در آن فرد فرا می‌گیرد که افرادی که یکدیگر را دوست دارند نیز نسبت به هم رفتار خشونت‌آمیز انجام می‌دهند. پس خشونت خانوادگی، در صورت نبود راه حل دیگر، مجاز است (اعزاز، ۱۳۸۰: ۶۰-۶۲).

صاحب نظران فمینیستی معتقدند که خشونت در درون خانواده بیشتر اوقات از جانب مردان اعمال می‌شود و علت این امر هم، وجود ساختارهای اقتداری پدرسالارانه در جامعه است (بلات، ۱۹۳۸: ۷۴-۷۱).

1. Van den Berghe



بعضی معتقدند ریشه‌های خشونت و پرخاشگری در طبیعت بشر قرار دارد و برای صیانت نفس و اثبات هویت شخصی ضروری است برخی منشاء خشونت را محرومیت از لذت می‌دانند.

در نظریه نظارت اجتماعی، بر وجود جرم و رفتار خشونت آمیز در انسان به دلیل انگیزه های درونی یا به سبب عوامل محیطی تأکید می‌شود در محدوده خصوصی خانه، نگرش‌های اجتماعی به خشونت، حقوق و وظایف زن و شوهر نسبت به یکدیگر و والدین نسبت به فرزندان رنگ می‌بازد و امکان نظارت اجتماعی از جامعه گرفته می‌شود. در نتیجه، نگرش در خانواده به وجود می‌آید که در آن، مرد قدرت اجرایی مشروع به دست می‌آورد و زنان و کودکان سبب تحریک او به رفتار خشونت آمیز می‌شوند.

بر طبق نظریه یادگیری اجتماعی، اشخاص وقتی در خانواده های خشن رشد می‌کنند خشونت را فرا می‌گیرند خشونت اغلب از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است و تاریخچه خشونت در خانواده، خطر وقوع آن را در بزرگسالان افزایش می‌دهد (نازپرور، ۱۳۸۱: ۲۵). کودکانی که شاهد رفتارهای پرخاشگرانه والدینشان هستند بیشتر احتمال دارد که این رفتارها را در تعامل با دیگران تقلید کنند رفتارهای پرخاشگرانه والدین با کودکان این مدل را به کودکان یاد می‌دهد که خشونت روش‌هایی برای حل مشکلات است (همتی، ۱۳۸۳: ۲۳).

کارکردگرایان در تبیین خشونت خانوادگی معتقدند که خانواده گروهی است که وجود علایق ناهمگون در آن سبب ایجاد تضادهایی می‌گردد که بر کارکرد خانواده تأثیر منفی دارد. رفع تضادهای خانوادگی با استفاده از وسایل قدرت و در مواردی، از راه خشونت میسر می‌گردد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۴۰).

طبق نظریه تضاد، خشونت در تضاد منافع است. طبق نظر «وبر» در خانواده‌هایی که مرد قدرت کافی برای تابع نمودن دیگری ندارد و می‌خواهد سلطه خود را اعمال کند، تضاد و درگیری بیشتری وجود دارد (سرتشیزی، ۱۳۸۱: ۵۳).

از دیدگاه نظریه فرهنگی، فرهنگ میراث اجتماعی گذشته است و بر رفتار کنونی و آینده انسان تأثیر می‌گذارد. مردانی که با همسران خود بد رفتاری می‌کنند، در فرهنگی



زندگی می‌کنند که در آن حاکمیت مرد بسیار بیشتر از زنان است (اشتراوس، ۱۹۸۰: ۱۵۲-۱۵۱).

براساس نظریه خرده فرهنگ، خشونت در هر فرهنگی و به تبع آن هر خرده فرهنگی دارای عناصر خاص خودش می‌باشد که این عناصر فرهنگی (ارزشها، هنجارها، نگرشها و اعتقادات) ممکن است خشونت مردان علیه زنان را در خانواده تأیید و تقویت نماید و یا اینکه از آن ممانعت به عمل آورد براساس این نظریه می‌توان متغیرهایی مثل نحوه انتخاب همسر (شیوه همسرگزینی) و مداخله خویشاوندان را در تبیین پدیده خشونت خانگی مدنظر قرار داد.

براساس این نظریه وقتی که تفاوت و شکاف پایگاهی از نظر آموزش و تحصیلات، درآمد و شغل بین زن و مرد وجود داشته باشد و مردان در سطحی پایین تر از همسران خود قرار بگیرند و احساس بکنند که پایگاه درون خانواده آنان به وسیله همسرشان مورد تهدید و تعرض قرار می‌گیرد احتمال اینکه به خشونت متوسل بشوند زیادتر است. لذا براساس این نظریه می‌توان متغیرهایی مانند تفاوت درآمد- شغل و میزان تحصیلات را برای تبیین خشونت‌های درون خانواده و بین زوجین مدنظر قرار داد.

رویکرد روان‌شناختی با چند نظریه سعی در تبیین این پدیده دارد. نظریه خشونت ذاتی، رویکرد غریزی به خشونت دارد. نظریه محرومیت- تهاجم که انگیزه‌های بیرونی مانند ناکامی و محرومیت را عامل بروز خشونت می‌داند و نظریه تحریک که فرد قربانی را زمینه ساز ظهور خشونت می‌داند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹: ۳۸ و ۲۳۰-۲۳۲).

اگرچه پدیده خشونت علیه زنان در تمامی جوامع امری شایع است اما هرچه جوامع فقیرتر، سنتی‌تر و از نظر فرهنگی در سطحی پایین‌تر باشند، فراوانی و شدت خشونت علیه زنان بیشتر و پیامدهای آن نیز افزون‌تر می‌شود از این رو در قومیت‌ها با توجه به فرهنگ سنتی و باور مالکیت مرد بر زن، پایین تر بودن سح سواد، ازدواج در سنین کم، تعدد زوجات، ازدواج زود هنگام و فامیلی، قبح جدایی و طلاق و ... به نظر می‌رسد خشونت علیه زنان بسیار فراوانتر و شایعتر از آن می‌باشد که پنداشته می‌شود. طبیعی است در فرهنگی که خشونت مورد اغماض قرار می‌گیرد قربانیان خشونت نیز اعمال خشونت را بر

خود می‌پذیرند یا متهم به ایجاد زمینه مناسب برای اعمال خشونت می‌شوند به این ترتیب مردان، زنان و کودکان یک فرهنگ باور می‌کنند که خشونت می‌تواند به عنوان وسیله‌ای مؤثر در خانه و اجتماع مورد استفاده قرار گیرد.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع توصیفی است که به روش پیمایشی انجام گرفته است جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق شامل کلیه زنانی است که حداقل یک بار ازدواج کرده‌اند و ساکن شهرتکاب می‌باشند. از کل جامعه آماری، ۱۲۱ نفر با فرمول کوکران به عنوان نمونه و به روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب گردید.

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته حاوی سؤالات دموگرافیکی، و گویه‌هایی برای سنجش میزان خشونت علیه زنان براساس طیف پنج قسمتی لیکرت می‌باشد. گویه‌های انتخاب شده به تعدادی از اساتید علوم اجتماعی به عنوان داور ارائه گردید که پس از آن، تعدادی از گویه‌های نامرتبط حذف و بعضی نیز تصحیح و تعدیل گشت و در واقع از این طریق ابزار تحقیق به اعتبار صوری یا محتوایی دست یافت. همچنین این پرسشنامه به صورت پیش آزمون (pretest) در بین ۳۰ نفر از زنان ازدواج کرده به صورت اتفاقی اجرا گردید که پس از آن گویه‌هایی که همبستگی زیادی نداشتند یا از قدرت سنجش خوبی برخوردار نبودند و یا گویه‌هایی که برای مخاطبان مفهوم نبوده و یا از روایی بالایی برخوردار نبودند حذف شدند. پایایی ابزار از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده که ۰/۸۶ محاسبه گردید. اطلاعات جمع‌آوری شده وارد کامپیوتر شد و به وسیله نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت در تحلیل داده‌های از آزمونهای t و f، ضریب همبستگی و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

### فرضیات تحقیق

- بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی پاسخگو با میزان خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.



- بین قومیت با میزان خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد.

#### یافته‌ها

دامنه سنی پاسخگویان بین ۲۰ تا ۶۴ سال با میانگین ۳۲/۷ سال است. میزان درآمد خانواده پاسخگویان ۹/۹ درصد کمتر از ۲۰۰ هزار تومان، ۲۸/۱ درصد بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان، ۳۶/۴ درصد بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان، ۲۴/۸ درصد هم بالای ۶۰۰ هزار تومان می‌باشد. از لحاظ اشتغال، ۴۸/۸ درصد از زنان پاسخگو شاغل و ۵۱/۲ درصد خانه دار بودند. ۷۵/۲ درصد از پاسخگویان دارای فرزند و ۲۴/۸ درصد فرزند نداشته‌اند. ۷۱/۹ درصد ازدواج غیرفامیلی و ۲۸/۱ درصد ازدواج فامیلی داشته‌اند؛ ۱۵/۷ درصد ازدواجشان از روی اجبار بوده است و ۸۴/۳ درصد از روی اختیار و آزادانه تصمیم به ازدواج گرفته‌اند و قومیت پاسخگویان ۴۱/۳ درصد کرد، ۴۱/۳ درصد ترک و ۱۷/۴ درصد هم فارس می‌باشند. همسران پاسخگویان نیز به لحاظ قومی ۴۰/۵ درصد کرد، ۴۶/۳ درصد ترک و ۱۳/۲ درصد فارس بودند.

از نظر سطح تحصیلات، تعداد قابل توجهی از پاسخگویان زنان و شوهران با تحصیلات دانشگاهی هستند، به طوری که بیش از ۴۰ درصد از زنان و مردان نمونه، دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشند. توزیع پاسخگویان با توجه به سطح تحصیلات به تفکیک جنس در (جدول شماره ۱) آورده شده است.



جدول ۱. میزان خشونت علیه زنان بر حسب میزان تحصیلات پاسخگو

متغیر	سطوح هر متغیر	درصد افراد	میانگین	درجه آزادی بین گروهی	درجه آزادی درون گروهی	F	سطح معنی داری
میزان تحصیلات پاسخگو	بیسواد	۸/۳	۱۱۱/۰۰۰۰	۳۹۸۰/۷۵۲	۳۲۲۲۸۴/۰۲۴	۴/۴۳	۰/۰۰۶
	ابتدایی تا راهنمایی	۲۴/۸	۱۱۱/۰۳۷۰				
	دیپستان	۱۹/۸	۱۲۰/۱۳۰۴				
	دانشگاهی	۴۴/۶	۱۲۴/۶۲۲۶				
	جمع	۱۰۰	-				
میزان تحصیلات همسر پاسخگو	بیسواد	۵	۹۱/۴۰۰۰	۷۰۴۵/۰۸۸	۲۸۷۳۴/۷۷۰	۸/۳۳۶	۰/۰۰۰
	ابتدایی تا راهنمایی	۱۷/۴	۱۰۸/۸۹۴۷				
	دیپستان	۲۶/۴	۱۲۱/۸۰۰۰				
	دانشگاهی	۴۳/۸	۱۲۳/۵۱۹۲				
	جمع	۱۰۰	-				

برای بررسی رابطه بین میزان خشونت با میزان تحصیلات پاسخ گو و همسران آنها آزمون F به عمل آمد. نتایج در (جدول شماره ۱) نشان داده شده است. همان طور که جدول فوق نشان می دهد، تجربه خشونت خانگی، به تفکیک سطح تحصیلات تفاوت معناداری دارد با بالا رفتن سطح تحصیل پاسخ گویان، خشونت نیز در میان آنها افزایش یافته است. مقایسه میزان خشونت خانگی بر حسب تحصیلات همسر پاسخ گویان حاکی از وجود ارتباط معنی دار این دو می باشد. در مورد این متغیر نیز با بالا رفتن سطح تحصیلات همسر، میزان خشونت افزایش پیدا کرده است. با توجه به اطلاعات جدول بالا، ارتباط بین میزان تحصیلات همسر و خشونت علیه زنان به لحاظ آماری ارتباطی معنادار است ( $P = 0/000 < 0/05$ ).

جدول ۲. میزان خشونت علیه زنان در گروه‌های مختلف

متغیر	مقولات	درصد افراد	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معنی داری
شغل	شاغل	۴۸/۸	۱۲۲/۵۷	۱۵/۰۸	۱/۹۴	۰/۰۵
	خانه دار	۵۱/۲	۹۸/۱۱۵	۲۰/۲۶		
نسبت همسر	فامیلی	۲۸/۱	۱۲۱/۱	۶/۱۵	۳۵/۲	/۰۰۵
	غیر فامیلی	۷۱/۹	۱۱۱/۱	۷/۲۳		
دارای فرزند	بله	۷۵/۲	۱۸۱/۱	۱۱۹/۰۴	-۰/۳۹	۰/۶
	خیر	۲۴/۸	۲۰۵/۱	۱۲۰/۵۵		
نوع ازدواج	تحمیلی	۱۵/۷	۱۶/۹۰	۵۷/۲۴	-۵/۷۱	/۰۰۰
	اختیاری	۸۴/۳	۲۳/۱	۵۵/۱۱		

(جدول شماره ۲) به بررسی رابطه میان متغیرهای اشتغال، ازدواج فامیلی و غیر فامیلی، دارای فرزند بودن و نوع ازدواج (ارادی، اجباری) با مسئله خشونت می‌پردازد. با توجه به این که متغیرهای مزبور، متغیرهای دوشقی می‌باشند، از آزمون T برای سنجش آنها استفاده شده است. بر اساس اطلاعات به دست آمده، میانگین خشونت علیه زنان خانه‌دار (۱۱۵/۹۸) تفاوت معنی داری با میانگین خشونت علیه زنان شاغل (۱۲۲/۵۷) دارد (sig = ۰/۰۵)، به این معنی که زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار بیشتر در معرض رفتارهای خشونت‌آمیز قرار می‌گیرند. همچنین میانگین خشونت علیه زنانی که با همسران خود نسبت فامیلی داشته‌اند برابر است با ۱۲۱/۱، که تفاوت معناداری با ۱۱۱/۱، یعنی میانگین خشونت علیه زنانی دارد که قبل از ازدواج با همسران خود نسبت فامیلی نداشته‌اند (p = ۰/۰۰۵ < ۰/۰۵). خشونت در میان کسانی که ازدواج آنها فامیلی بوده، بالاتر از ازدواج‌های غیرفامیلی است و این تفاوت از نظر آماری معنی دار بوده است. ولی میانگین میزان خشونت علیه زنان دارای فرزند بامیانگین میزان خشونت علیه زنانی که فرزند ندارند، به لحاظ آماری معنی دار نیست. میانگین خشونت علیه زنانی که ازدواج تحمیلی داشته‌اند با میزان خشونت علیه زنانی که ازدواج اختیاری داشته‌اند از نظر آماری تفاوت معنی داری را نشان می‌دهد (p = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۵). به این معنی که آنان که ازدواج تحمیلی داشته خشونت بیشتری را تجربه می‌کنند. (P =



جدول ۳. میزان خشونت علیه زنان بر حسب میزان درآمد

متغیر	سطوح هر متغیر	درصد افراد	میانگین	درجه آزادی بین گروهی	درجه آزادی درون گروهی	F	سطح معنی داری
میزان درآمد	کمتر از ۲۰۰ هزار تومان	۹/۹	۱۱۸/۹۰۹۱	۳۴۵۶/۰۰۴	۳۲۷۷۳/۳۳	۳/۸۶	۰/۰۱۱
	۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان	۱/۲۸	۱۱۳/۷۰۹۷				
	۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان	۳۶/۴	۱۱۷/۳۳۳۳				
	بالای ۶۰۰ هزار تومان	۲۴/۱	۱۲۸/۱۰۰۰				
	جمع	۱۰۰					

در مورد وجود ارتباط میان میزان درآمد و میزان خشونت، با توجه به اینکه سطح معنی داری ۰/۰۱۱ می باشد که از ۰/۰۵ کوچک تر است ( $P = 0/011 < 0/05$ )، یعنی میان دو متغیر مذکور ارتباط آماری معنی داری برقرار است. تحلیل داده ها نشان می دهد که در گروه های درآمدی خیلی بالا و یا خیلی پایین میزان خشونت بالاتر از گروه های درآمدی متوسط می باشد.

برای سنجش ارتباط میان متغیرهای سن و پایگاه اقتصادی-اجتماعی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده و نتایج در جدول شماره ۴ زیر نشان داده شده است.

جدول ۴. خروجی آزمون پیرسون بین خشونت با متغیرهای سن و پایگاه اقتصادی-اجتماعی

متغیر	سن پاسخ گو هنگام ازدواج	سن همسر پاسخ-گو هنگام ازدواج	سن فعلی پاسخ گو	تفاوت سنی زوجین	پایگاه اقتصادی اجتماعی
ضریب همبستگی	۰/۱۵	۰/۰۴۸	۰/۰۳۹	۰/۰۹۸	۰/۳۳
سطح معنی داری	۰/۱	۰/۶	۰/۶	۰/۲۹	۰/۰۰۰





نتایج به دست آمده حاکی است بین سن ازدواج زن و سن ازدواج مرد با خشونت علیه زن همبستگی مثبت وجود دارد، به این معنی که هر چه سن زن و مرد هنگام ازدواج بالاتر باشد، میزان اعمال خشونت بر زن بالاتر است، اما این ارتباط به لحاظ آماری معنی دار نیست.

ضریب محاسبه شده پیرسون برای متغیر سن فعلی پاسخ گو و متغیر خشونت  $P=0/039$  می باشد. یعنی بین این دو متغیر رابطه معکوس برقرار است، به این معنی که هر چه سن پاسخ گو بالاتر باشد، میزان اعمال خشونت بر او کاهش می یابد و بر عکس. اما با توجه به این که  $(P=0/06 > 0/05)$  این رابطه نیز به لحاظ آماری معنی دار نیست.

در این تحقیق، بین تفاوت سنی زوجین نیز با متغیر خشونت، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه گردید. ضریب همبستگی محاسبه شده  $0/098$  می باشد، یعنی بین میزان خشونت علیه زنان و تفاوت سنی زوجین همبستگی معکوس برقرار است؛ به این معنی که با بالا رفتن تفاوت سنی زوجین، میزان خشونت بر زنان کاهش می یابد، اما با توجه به این که  $(P=0/29 > 0/05)$ ؛ این همبستگی به لحاظ آماری معنی دار نیست.

آزمون پیرسون درباره پایگاه اقتصادی- اجتماعی پاسخ گو و میزان خشونت محاسبه گردید که نتیجه آن حاکی از وجود رابطه معنی دار میان این دو متغیر می باشد.

ضریب محاسبه شده پیرسون برای این دو متغیر برابر است با  $(P=0/33)$  است و با توجه به این که  $(P=0/000 > 0/05)$ ؛ بین میزان خشونت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی رابطه وجود دارد، این رابطه به لحاظ آماری نیز معنی دار است و همبستگی میان آنها همبستگی مستقیم است، به این معنی که با بالا رفتن پایگاه اقتصادی- اجتماعی، میزان خشونت نیز افزایش می یابد.



جدول ۵. میانگین نمره پاسخ‌گویان از انواع خشونت‌های (کلامی، روانی، اقتصادی، جسمی و

جنسی با توجه به قومیت)

میانگین ابعاد	خشونت کلامی	خشونت روانی	خشونت اقتصادی	خشونت جسمی	خشونت جنسی	جمع خشونت هر قومیت
آذری	۲۱/۰۶	۲۷/۷۲	۳۲/۸۲	۱۱/۳۴	۲۹/۲۸	۱۲۲/۲۲
فارس	۱۹/۶۰	۲۷/۶۶	۳۲/۵۲	۱۱/۷۶	۲۹/۲۳	۱۲۰/۷۷
کرد	۱۹/۰۸	۲۵/۸۱	۳۱/۲۶	۱۰/۵۶	۲۷/۲۶	۱۱۳/۹۷
جمع هر نوع خشونت	۵۹/۷۴	۸۱/۱۹	۹۶/۶	۳۳/۶۶	۸۵/۷۷	۳۵۶/۶

جدول فوق میزان انواع مختلف خشونت را با توجه به قومیت نشان می‌دهد همان‌گونه که مشاهده می‌گردد خشونت اقتصادی با میانگین ۹۶/۶ بیش از سایر انواع خشونت توسط پاسخ‌گویان تجربه شده است و خشونت‌های جنسی و روانی به ترتیب با ۸۵/۷۷ و ۸۱/۱۹ در مراتب بعدی خشونت‌های تجربه شده قرار می‌گیرند. در مقابل، خشونت جسمی با میانگین ۳۴ کم‌ترین نرخ شیوع را در جامعه مورد بررسی دارا بوده است. همچنین در بین قومیت‌ها آذری‌ها با ۱۲۲/۲ بالاترین و کردها با ۱۱۳/۹ کمترین میزان خشونت را داشته‌اند.

جدول ۶. میزان خشونت علیه زنان بر حسب قومیت پاسخگو و همسر پاسخگو

متغیر	سطوح هر متغیر	درصد افراد	میانگین	درجه آزادی بین گروهی	درجه آزادی درون گروهی	F	سطح معنی داری
قومیت پاسخگو	کرد	۴۱/۳	۱۱۴/۵۲	۱۹۷۹/۸۰۷	۳۴۳۶۲/۳۱۵	۳/۲۲۶	۰/۰۴۳
	ترک	۴۱/۳	۱۲۳/۵۹				
	فارس	۱۷/۴	۱۲۰/۵۰				
	جمع	۱۰۰	-				
قومیت همسر پاسخگو	کرد	۴۰/۵	۱۱۴/۸۰	۱۹۶۱/۱۷۲	۳۴۳۸۰/۹۵۰	۳/۱۹۴	۰/۰۴۵
	ترک	۴۶/۳	۱۲۳/۶۶				
	فارس	۱۳/۲	۱۱۸/۱۲				
	جمع	۱۰۰	-				

نتایج به دست آمده از (جدول شماره ۶) حاکی است بین قومیت پاسخگو و خشونت علیه زنان ارتباط وجود دارد، ( $p = 0.043 < 0.05$ )، باید به این نکته توجه کرد که خشونت در میان زنان قومیت ترک با میانگین ۱۲۳/۵۹ نسبت به قومیت‌های فارس و کرد، به ترتیب با میانگین‌های ۱۲۰/۵۰ و ۱۱۴/۵۲ بالاتر است. همچنین بین قومیت همسر پاسخگو و خشونت علیه زنان نیز ارتباط معنی داری وجود دارد ( $p = 0.045 < 0.05$ ) و فرض مزبور قابل پذیرش است. در مورد این متغیر نیز قومیت ترک با میانگین ۱۲۳/۶۶، دارای بالاترین میزان خشونت می‌باشد.

برای بررسی فرضیه اصلی تحقیق، وجود یا عدم وجود رابطه میان متغیر قومیت و مسئله خشونت، به یک نکته باید توجه کرد. پاسخ‌گویان در این زمینه به دو دسته تقسیم شده‌اند؛ همسرانی که همسانی قومیتی با یکدیگر دارند، به عنوان مثال هر دو آذری هستند و همسرانی که ناهمسانی قومیتی دارند، مثلاً پاسخگو آذری زبان و همسرش کرد بوده است. در (جدول شماره ۷) رابطه بین همسانی و ناهمسانی قومیت و خشونت خانگی مورد بررسی قرار گرفته است.



جدول ۷. میزان خشونت علیه زنان بر حسب همسان یا ناهمسان بودن قومیت پاسخگو و همسر

پاسخ گو

متغیر	میانگین	t	سطح معنی داری
قومیت همسان	۱۲۰/۴۷	۵/۳۸	۰/۰۲۲
قومیت ناهمسان	۱۱۳/۳۵		

داده‌های (جدول شماره ۷) در مورد همسرانی که قومیت همسان نداشته‌اند، نشان می‌دهد که میزان خشونت در میان آنان با ۱۱۳/۳۵ کمتر از همسرانی است که قومیت همسان دارند (۱۲۰/۴۷)، مقدار  $t$  محاسبه شده ( $t = ۵/۳۸$ ) می‌باشد (سطح معنی داری ۰/۰۲۲) برآورد گردید، که ارتباط موجود را از لحاظ آماری معنی دار نشان می‌دهد. به منظور تبیین خشونت علیه زنان براساس این متغیرها از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده شده است. در مجموع از هفت متغیر وارد شده به معادله رگرسیونی یک متغیر مستقل مهم (نوع ازدواج) در این تحلیل باقی ماند که ضریب همبستگی آن با خشونت علیه زنان برابر ( $R = ۰/۷۱۷$ ) و ضریب تعیین برابر ( $R^2 = ۰/۵۱۴$ ) و (سطح معنی داری آن برابر  $Sig = ۰/۰۰۰$ ) می‌باشد که نشان‌دهنده ارتباط مثبت و ... بین این متغیر با خشونت علیه زنان است. هم‌چنین مدل رگرسیون تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده مثبت و معنادار است ( $F = ۱۱۲/۹۶$  و  $Sig = ۰/۰۰۰$ ).

جدول ۸. خروجی آزمون پیرسون بین خشونت با متغیرهای سن و پایگاه اقتصادی-اجتماعی

مدل	R2	R	Adjusted R Square	F	Sig
رگرسیون	۰/۵۱۴	۰/۷۱۷	۰/۵۰۹	۱۱۲/۹۶	۰/۰۰۰

در جدول زیر متغیر مستقل در مدل رگرسیونی به همراه ضرایب مربوط و سطح معناداری آن نمایش داده شده است.

جدول ۹. نتایج رگرسیون چند متغیره برای تأثیر متغیر مستقل وارد شده و ضرایب مربوط به آن

Sig	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب خام		متغیرهای مستقل
		Beta	Std.Error	$\beta$	
۰/۰۰۰	۲۷/۵۱۳	-	۳/۱۹۲	۸۷/۸۱۳	مقدار ثابت $\alpha$
۰/۰۰۰	۱۰/۶۲۹	۰/۷۱۷	۳/۴۵۵	۳۶/۷۲۵	نوع ازدواج

در مجموع طبق اطلاعات جدول فوق و با توجه به ضرایب بتای استاندارد نشده ملاحظه می‌شود که مقدار ثابت ( $\alpha$ ) برابر ۸۷/۸۱۳ و نوع ازدواج با  $\beta = ۳۶/۷۲۵$  در تبیین خشونت علیه زنان سهم معنی‌داری دارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

خشونت و آزار نسبت به زنان پدیده‌ای جدید نیست و از پیشینه تاریخی برخوردار است، اما می‌توان گفت توجه به آن به عنوان مسئله‌ای اجتماعی، مقوله‌ای جدید است و این مسئله مانعی است پایدار در راه ارتقاء و برخورداری زنان از حقوق فردی و اجتماعی آنها.

در ایران، شاید به دلیل ویژگی‌های فرهنگی-مذهبی، خشونت در خیابان، محیط کار و اجتماع کمتر است و بیشترین شکل خشونت نسبت به زنان خشونت‌های خانگی است که توسط همسر و یا نزدیکان دیگر نظیر پدر یا برادر اعمال می‌شود. با توجه به این که گستردگی قومی و به تبع آن تنوع فرهنگی در کشور ما قابل توجه است و «قومیت» به عنوان یک عنصر فرهنگی، بستری است که رفتار در آن شکل می‌گیرد (حسینی و مهریار، ۱۳۸۵)، این تحقیق به بررسی عامل قومیت در بروز رفتارهای خشونت‌بار می‌پردازد.

نگاهی به یافته‌های پژوهش حاضر، ارتباط معنی‌داری بین عامل قومیت و میزان اعمال خشونت علیه زنان را نشان می‌دهد. شاید علت این امر در تعریف نقش‌های زنان در قومیت‌های مختلف باشد. نتیجه مشابهی را طالب و گودرزی در پژوهشی با موضوع قومیت و خشونت که در سال ۱۳۸۳ در سیستان و بلوچستان صورت گرفته، به دست آورده‌اند؛ به این معنی که عامل قومیت را در بروز مسئله خشونت مؤثر دانسته‌اند (طالب؛ گودرزی، ۱۳۸۳).



زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار بیشتر در معرض خشونت قرار می‌گیرند، سرتشنیزی در پژوهشی مشابه، میان این دو متغیر ارتباط معنی‌داری نیافته است (سرتشنیزی، ۱۳۸۱) اما این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های دیگری که نشان می‌دهد نامناسب بودن شغل زنان موجب افزایش خشونت شوهران نسبت به آنها می‌شود مشابه است (رافائل<sup>۱</sup> و تولمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷).

در مورد ارتباط بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی با بروز مسئله خشونت علیه زنان، یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر وجود رابطه معنی‌دار بین این دو می‌باشد.

بین ویژگی‌های دموگرافیک براساس داده‌های این تحقیق به قرار زیر با مسئله خشونت علیه زنان ارتباط وجود دارد:

زنانی بیشتر در معرض خشونت قرار گرفته‌اند که با همسر خود نسبت فامیلی داشته‌اند، یا ازدواج آن‌ها از نوع ازدواج تحمیلی بوده است.

بین میزان درآمد خانواده و خشونت نیز ارتباط معنی‌داری وجود دارد؛ محققان دیگری (بیگ زاده، ۱۳۸۱؛ نعمت پورقمی، ۱۳۸۲؛ سرتشنیزی، ۱۳۸۲) نیز در تحقیقات مشابهی این نتیجه را تأیید کرده‌اند که بین خشونت و نابسامانی وضعیت اقتصادی و فقر رابطه وجود دارد. «فقر تنش تولید می‌کند و این تنش می‌تواند موجب خشونت شود» (جوکس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲).

میزان تحصیلات زوجین نیز ارتباط معناداری با میزان خشونت دارد، تحقیقات دیگری نشان داده‌اند که تحصیلات بالای زن و مرد موجب کاهش خشونت خانگی می‌شود (مارتین<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۹۹؛ شمس اسفندآباد و امامی پور، ۱۳۸۲).

یافته‌های پژوهش حاضر ارتباط معنی‌داری بین متغیر سن (سن همسران به هنگام ازدواج و سن پاسخگو به هنگام بررسی) و بروز خشونت را نشان نمی‌دهد، این نتیجه هماهنگ با نتایج حاصل از برخی تحقیقات دیگر است (سرتشنیزی، ۱۳۸۱)، این در حالی

1. Raphael
2. Tolman
3. Jeweks
4. Martin



است که محققان دیگری به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند، یعنی بین این دو متغیر ارتباط معنی‌داری یافته‌اند (شمس اسفند آباد و امامی پور، ۱۳۸۲).

داده‌های منظم شده در جداول تحلیل نشان می‌دهد داشتن یا نداشتن فرزند، ارتباط معنی‌داری با مسئله اعمال خشونت علیه زنان ندارد.

بنابراین پدیده خشونت علیه زنان در شهر تکاب تحت تأثیر عواملی مانند: قومیت، اشتغال، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، نوع ازدواج، میزان درآمد خانواده و میزان تحصیلات زوجین قرار دارد و عواملی مانند سن و فرزند آوری با خشونت ارتباط معنی‌داری ندارد.

### پیشنهاد

در راستای حمایت از زنان خشونت دیده، تصویب قانون جامع مقابله با خشونت خانگی، فراهم کردن خدمات حقوقی، پزشکی و روان شناختی و آموزش‌های لازم به جوانان در مدارس و مراکز آموزش عالی و رسانه‌ها، اقدام‌هایی است که می‌تواند مفید واقع شود.

### منابع فارسی

- احمدی، حمید. (۱۳۷۸). قومیت و قومیت‌گرایی در ایران، تهران: نشر نی.
- اسمیت، آنتونی. (۱۳۷۷). منابع قومی ناسیونالیسم، (ترجمه: فصلنامه مطالعات راهبردی) پیش شماره اول. بهار.
- اعظم آزاده، منصوره و راضیه دهقان فرد. (۱۳۸۵). خشونت علیه زنان در تهران، رابطه بین جامعه پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان در رابطه خانوادگی، پژوهش زنان، بهار و تابستان ۸۵.
- بیگ زاده، رویا. (۱۳۸۱). عوامل مؤثر بر خشونت زنان تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۰). تهران: انتشارات دفتر طرح‌های ملی.

- اشراقی، محمود. (۱۳۸۵). نگاهی جامعه شناختی به پدیده خشونت علیه زنان، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال اول- شماره دوم.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۳). مدرسه مکان اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان، سخنرانی چاپ نشده در پنجمین جایگاه تربیت. تهران.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰). زنان کتک خورده، تهران: نشر سالی.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰). جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- بشیری، حسین. (۱۳۸۲). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، چاپ دوم، تهران: نشر نگاه معاصر.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۹). خشونت و جامعه (ترجمه: اصغر افتخاری) تهران: نشر سفیر.
- حسینی، حاتم و امیر هوشنگ مهریار (۱۳۸۵) «قومیت، نابرابری آموزشی و باروری»، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، شماره ۱، ۱۴۱-۱۶۷.
- حضور کلثوم (۱۳۸۶) بررسی وضعیت زنان خشونت دیده قبل و بعد از طرح شکایت در کلاتر، مجله فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی سال سوم شماره ۹-۸، ۷۵-۹۴.
- جاوید، نورمحمد و طرزی، تقی. (۱۳۸۷). بررسی پدیده همسرکشی زنان. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی دوره جدید شماره چهاردهم، ۱۴۹-۱۶۹.
- رفیعی، حسن. (۱۳۷۳). برمودای خشونت ماهنامه سالم س ۴، ش ۱۷.
- رئیس سرشنیزی، امرالله. (۱۳۸۱). خشونت علیه زنان و عوامل مؤثر بر آن - مطالعه موردی شهرستان شهرکرد، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۳. دوره یک، ۴۵-۶۶.
- زارع شاه آبادی، اکبر و دیگران (۱۳۸۳) بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان یافته‌های یزد، دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
- سام گیس، بنفشه. (۱۳۷۷). چرا همسرانشان را آزار می‌دهند؟ خرداد، سال اول، شماره ۲۱.
- مستوده. (۱۳۷۸). روان شناسی اجتماعی، تهران: آوای نور.
- شادی طلب، ژاله. (۱۳۸۱). توسعه و چالش‌های زنان ایران، تهران، نشر قطره.
- شمس اسفندآباد، حسن و سوزان امامی‌پور. (۱۳۸۲). بررسی میزان رواج همسرآزاری و عوامل مؤثر بر آن، پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵، ۵۷-۸۲.





- طالب، مهدی و محسن گودرزی. (۱۳۸۳). قومیت و جنسیت، مطالعه موردی گروه‌های قومی در سیستان و بلوچستان، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱، ۲۳-۴۸.
- طاهری، شهلا. (۱۳۷۹). بررسی میزان خشونت فیزیکی علیه زنان در خانواده در بین مراجعین به پزشکی قانونی و سایر خدمات درمانی شهرستان خدابنده، استانداری زنجان.
- فروغان، مهشید. (۱۳۸۰). بررسی خشونت در خانواده‌ها، کیهان، سال شصت، شماره ۱۷۹۲۵.
- کلاینک، ال. (۱۳۸۲). کنار آمدن با چالش‌های زندگی (ترجمه: م نریمانی و اسماعیل ولی‌زاده)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- گود، ویلیام جی. (۱۳۵۲). خانواده و جامعه. (ترجمه: باقر ساروخانی)، تهران: نشر کتاب.
- مجوزی، پاکسیما. (۱۳۸۱). سکوت سرشار از ناگفته‌هاست: نگاهی به پدیده خشونت علیه زنان، همشهری، سال دهم، شماره ۳۸۱۸.
- مدیرشانه چی، محسن. (۱۳۸۰). گوناگونی در ایران: زمینه‌ساز تکامل ملی و مرکزیت منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۹، ۴۷-۵۳.
- معمدی مهر، مهدی. (۱۳۸۰). حمایت از زنان در برابر خشونت. تهران: نشر برگ زیتون.
- معظمی، شهلا. (۱۳۸۳). جرم‌شناسی خشونت خانگی و همسرکشی در سیستان و بلوچستان، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۲، تابستان، ۳۹-۵۳.
- مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۱). قومیت‌ها و هویت فرهنگی ایران، نامه پژوهش، شماره ۲۲ و ۲۳.
- مولاوردی، شهیندخت. (۱۳۷۸). حقوق بین‌الملل و رفع خشونت نسبت به زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ناز پرور، بشیر. (۱۳۸۱). همسرآزاری پژوهش زنان، ش ۳، ۲۵-۴۳.
- نعمت پور قمی، مرجان. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر اعمال خشونت در خانواده (خشونت علیه زنان)، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان.
- نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۷۹). روان‌شناسی زن، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- همتی، رضا. (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر خشونت مردان علیه زنان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم شماره ۱۲، ۲۳۰-۲۴۸.



## منابع لاتین

- Abbasi-Shavazi, M.J. and G. W. Jones. (2001) .*Socio- economic and demographic setting of Muslim Populations*. Working Papers in Demography, No. 86, Australian National University.,
- Arbi Aster, Anthony(1993). *Violence*, in: William Outhivaite, Tom Battamore(Edis), The Blackwell Dictionary of Towentieth Century Social Though, U.S.A, Blackwell.
- Brass,P.(1990). *The Politics of India since Independence*,New Cambridge of India, Vol.IV, Cambridge University Press.
- Blat G, Steiu C.(1937). *A hit is a hit...or is it? Approval and Tolerance of the use of Physical Force by Spouses, The Dark Side of families: Current Familh Violence Research*(Beverly Hills, Ca: sage).
- Carvalho. I, M.Motta and B. Alda(1994), : *Gender as a Dimension in the Construction of Collective Subject*, Paper presented to Interntional Sociological Association(ISA).
- Cohen,A.(1969): *Custom and Politics in Urban Africa: A Study of Hausa Migrants in Yoruba Towns*, in M.Banks(ed.) *Ethnicity: Antropological Constructions*, London. Routledge.
- Greetz,C.(1963). *Old Society and New State*,New York: Free Press.
- Greetz,C.(1993). *Primordial Loyalties and Standing Ethnicity: Antropological Reflections on the Politics of Identity*, Delivered at Collegium Budapest.
- Isajiw,w.w.(1999). *Understanding Diversity: Ethnicity and Race in the Canadian Context*, Toronto: Thompson Educational Publishing.
- Jewecks,R.(2002). *Intimate partner Violence: Causes and Prevention*, lancet,vol 359,1423-1427.
- Martin, S.L. et al. (1999). *Domestic Violence in Northern India*,*American Journal of Epidemiology*,vol 150, 417-426.
- McDermott, J.F, A.B. Robillard, W.F.Char, J.Hsu,W.S Tseng and G.C. Ashton (1938).*Reexamining the Concept of Adolescence: Differences between Adolescent Boys and Girls in the Context of their Families.*, The American Journal of Psychiatry.
- Piette. B.(1997). *Identity and language: The Example of Welsh Women, Fiminism& Psychology*.
- Raphael,J,and R.Tolman.(1997). *Trapped by Poverty, Trapped by Abuse: New Evidence Documenting the Relationship Between Domestic Violence and Welfare*.
- Simpson, S(1997) . *Demography and Ethnicity: Case Studies from Bradford* .,New Community.
- Sowell,T.(1975). *Race and Economics.*,in M.Hechter(ed) *A Rational Choice Approach to Race and Ethnic Relation*, Cambridge: Camberidge Univercity Press.
- Straus MA, Gelles RJ, Steinnetz SK.(1980). *Behind Closed Doors: Violence in the American Family*(Garden City,MV: Anchor).
- Starrels,M.E., S.Bould and L. Nicholas.(1994). *The Feminization of Poverty in the United State: Gender, Caste and Ethnicity, and family Focctors*, Journal of Family Issues.